

خاستگاه تلقی رمزآلود از کتب آسمانی و تعارض علم و دین

غلبه تجربه‌گرایی و تعارض آموزه‌های کلیسا با علم و دانش روز و همچنین بی‌معنا قلمداد شدن گزاره‌های دینی به خاطر تأمین نشدن معیارهای تأییدپذیری و ابطال‌پذیری در این گزاره‌ها، موجب طرح این نظریه شد که گزاره‌های دینی و کتاب‌های آسمانی ناظر به واقع نیستند، بلکه رمزی و نمادین‌اند.

غلبه تجربه‌گرایی و تعارض آموزه‌های کلیسا با علم و دانش روز و همچنین بی‌معنا قلمداد شدن گزاره‌های دینی به خاطر تأمین نشدن معیارهای تأییدپذیری و ابطال‌پذیری در این گزاره‌ها، موجب طرح این نظریه شد که گزاره‌های آسمانی ناظر به واقع نیستند، بلکه رمزی و نمادین‌اند.

محمد محمدرضایی، استاد فلسفه پردیس قم دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به نقد و بررسی مقاله جدید عبدالکریم سروش با عنوان «171#& محمد(ص): راوی رویاهای رسولانه» پرداخت و ضمن تبیین این مطلب که وحی منحصر به طریق رؤیا نیست، قول به خواب‌نامه بودن قرآن را که در این مقاله مطرح شده فاقد دلیل و استدلال و مستلزم عدم شفافیت قرآن و در نتیجه منجر به ساقط شدن وجه اعجازی و هدایتی آن و حتی نفی امکان فهم قرآن، خلاف معصومانه دانستن سخنان پیامبر(ص)، بی‌ملاک شدن دعای پیامبر(ص)، بی‌وجهی تبعیت از ایشان و بی‌معنا شدن حبل الله بودن قرآن دانست.

محمدرضایی رمزآلود دانستن قرآن را اساساً برخلاف حکمت خداوند نیز دانست و عنوان کرد: اگر وجه نیاز انسان به وحی را مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم که نزول وحی به خاطر این بوده است که عقل و تجربه بشری نمی‌تواند از عالم غیب خبر دهد و در نتیجه نمی‌تواند مطالبی را که برای سعادت همه‌جانبه انسان لازم است، تأمین کند. ما می‌خواهیم در این دنیا به گونه‌ای عمل کنیم که سعادت ابدی خود را رقم بزنیم، اما هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، این تردید و شک را داریم که شاید این عمل در آخرت بازتاب خوبی نداشته باشد؛ چرا؟ به این دلیل که علم ما علم نامتناهی نیست تا از اسرار همه امور و نسبتی که اعمال من با آن‌ها پیدا می‌کند و در نتیجه از نتیجه عملم آگاه باشم؛ لذا این خداوند است که باید بیان کند که چه کارهایی درست و چه کارهایی نادرست است.

وی ادامه داد: خداوند بشر را خلق کرده است و عقل و دانش بشری او برای سعادتش کفایت نمی‌کند و باید منابعی از طریق وحی در اختیارش قرار داده شود تا به سعادت برسد؛ خداوند در قرآن می‌فرماید «وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ ما به شما چیزهایی تعلیم دادیم که شما نمی‌توانستید بدانید» (بقره/151). بنابراین اگر ضرورت وحی همان نیاز ما به هدایت است، باید آن‌چه که در قرآن بیان شده و دستوراتی که در آن آمده است، روشن و شفاف باشد و اگر کتاب وحی و هدایت مبهم و مه‌آلود و رمزآلود باشد، خلاف حکمت خداوند است.

محمدرضایی افزود: اگر کتاب وحی را هر کسی به شکلی تعبیر کند، این کتاب دیگر کتاب هدایت نخواهد بود و حکمت خداوند زیر سؤال می‌رود؛ لذا حکمت خداوند و علم و قدرت نامتناهی خداوند اقتضا می‌کند که کتاب هدایت او کتاب روشن و بلاغ مبین باشد؛ همان‌گونه که قرآن خود را روشن و در عین حال روشن‌گر توصیف کرده است و نمی‌تواند مه‌آلود و رمزآلود باشد.

وی فهم‌پذیری قرآن را نافی ادعای سروش دانست و گفت: به خاطر همین فهم‌پذیری و همین روشنی‌بخشی مفاهیم قرآن بود که مشرکین از مردم اهل حجاز می‌خواستند که به سخنان پیامبر(ص) و آموزه‌های وحیانی ایشان گوش ندهند و می‌گفتند گوش‌هایتان را بگیرید تا این سخنان را نشنوید والا محمد(ص) شما را سحر می‌کند و این بدین معناست که قرآن را می‌فهمیده‌اند و تلقی‌ای مه‌آلود و رمزآلود از آن نداشته‌اند. بر همین اساس دعوت به تدبر در قرآن نیز بدین معناست که می‌توان قرآن را فهمید.

این استاد دانشگاه تهران با اشاره به این نکته که قرآن، به تعبیر خود آن، به زبان قوم نازل شده است، این امر را نیز یکی دیگر از دلایل شفاف بودن قرآن دانست و بیان کرد: خداوند می‌فرماید «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم» (ابراهیم/4) این که رسولان به زبان قوم برانگیخته شده‌اند، برای این است که بتوانند برای بشر سخن بگویند، اما اگر آن سخن مه‌آلود و رمزآلود باشد، طبیعتاً آن غرض که بتوانند به زبان قوم سخن بگویند، نقض شده است، چون نمی‌توان گفت که مردم به صورتی مبهم و رمزآلود با هم سخن می‌گویند و زبان قوم زبانی مه‌آلود است.

وی با اشاره به خاستگاه‌های رمزآلود دانستن کتاب‌های آسمانی که اندیشه‌ها و مباحث مطرح در غرب و جهان مسیحیت بوده است، بیان کرد: با غلبه تجربه‌گرایی در جهان مسیحیت و بی‌معنا قلمداد شدن گزاره‌های دینی به خاطر تأمین نشدن معیارهای تأییدپذیری و ابطال‌پذیری در این گزاره‌ها، برخی از متفکران دینی غربی برای اینکه در مقابل بی‌معنا تلقی شدن گزاره‌های دینی بایستند، نظریه‌ای را مطرح کردند و گفتند که گزاره‌های دینی و گزاره‌های کتاب‌های آسمانی ناظر به واقع نیستند بلکه رمزی و نمادین‌اند.

محمدرضایی با بیان این که طرح این نظریه و مورد پذیرش قرار گرفتن آن در مورد کتاب مقدس به دلیل تعارض آموزه‌های آن و آموزه‌های کلیسا با دانش روز بوده است، اظهار کرد: در تحریفی که در کتاب مقدس درباره داستان هیوط حضرت آدم صورت گرفته، میوه ممنوعه‌ای که آدم و حوا از خوردن آن منع شدند، میوه معرفت گفته شده و بر اساس همین مورد در سنت غربی و مسیحی این نتیجه گرفته شده است که اگر انسان صاحب معرفت شود جای او در بهشت نیست و سعادت ابدی با معرفت ناسازگار است.

وی افزود: این در حالی است که اصول اساسی اسلام اصلاً عقلانی است و اسلام در پذیرفتن آن‌ها افراد را به تعقل و تفکر فرامی‌خواند و بر اساس آن چه که در اسلام ترسیم می‌شود. آن که عقل دارد دارای دین است و آن که دین دارد به بهشت وارد می‌شود.

محمدرضایی در این مورد اظهار کرد: خداوند در قرآن می‌فرماید: «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ؛ به زودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است؛ (فصلت/53) بنابراین خداوند از انسان می‌خواهد که در جهان هستی و در جهان درون و انفس خود تعقل کند و این دعوت از این روست که عقل انسان پیامبر(ص) باطنی دانسته می‌شود. همچنین در قرآن در مورد جهنمیان آمده است که «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي اَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ و گویند اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم؛ (ملک/10).

وی اضافه کرد: بنابراین در اسلام کسانی به بهشت می‌روند که اهل تعقل و خردورزی باشند؛ اما راهکار غربیان که در میان این دو معتقد به تعارض و تضاد بودند، این بود که بگویند گزاره‌ای دینی ناظر به واقع نیست و آن‌ها را مه‌آلود و رمزآلود بدانند.

وی با اشاره به نظرات یکی از اندیشمندان غربی در این زمینه، عنوان کرد: ویلیام آلستون در بحث زبان دینی می‌گوید «دیرزمانی است که تفسیرهای رمزی و سمبلیک از آموزه‌های دینی امری مرسوم است و بسیاری از متفکران مسیحی داستان طوفان نوح را نه گزارشی از اتفاق‌های واقعی تاریخی، بلکه طریقه‌ای رمزی و نمادین برای ارائه نکته‌هایی که به لحاظ دینی مهم است، تلقی کرده‌اند؛

محمدرضایی اظهار کرد: در این مطلب آمده است که رمزی دانستن آموزه‌های کتاب مقدس در جهان مسیحیت سابقه داشته است و البته قبل از آقای سروش هم برخی دیگر از متفکران نواندیش، تحت تأثیر القائنات متفکران جهان مسیحی، این حرف را بر زبان رانده‌اند که قرآن مجموعه‌ای از رمزهاست و شفاف و گویا نیست؛ این در حالی است که خود قرآن در آیاتی به صراحت اظهار می‌کند که سخن من حق است و رمزی نیست و مشخص نیست که ما با چه دلیلی می‌توانیم بر رمزی بودن آن اصرار کنیم.

وی با اشاره به برخی از آیات قرآن گفت: خدا در قرآن بیان می‌کند که قصه‌هایی را که بیان می‌کند واقعی است و رمزآلود نیست؛ برای مثال در داستانی می‌فرماید که داستان درست حضرت مسیح همان چیزی است که در قرآن بیان شده است؛ «لَنْ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ آری داستان درست [مسیح] همین است و معبودی جز خدا نیست و خداست که در واقع همان شکست‌ناپذیر حکیم است؛ (آل عمران/62). در آیه دیگر درباره اصحاب کهف می‌فرماید «تَحْنُ نَقْصٌ عَلَيْكَ نَبَأُهُم بِالْحَقِّ إِيَّاهُمْ فَتَبَيَّنَ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزَيَّنَّا لَهُمْ هُدًى؛ ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم؛ (کهف/13).

محمدرضایی در پایان این بخش از این گفت‌وگو اضافه کرد: بنابراین آقای سروش هیچ دلیلی بر این مسئله که چگونه می‌توان قرآن را رمزی دانست ارائه نکرده است؛ در صورتی که در مقابل ایشان دلایل بسیاری وجود دارد که قرآن رمزی نیست.